

آدرس ما :

برای مکاتبه ، برای کمک مالی

OLIVIER LE COUR
44, RUE DE PATAY
75013 PARIS FRANCE

حادثی قطعی تشویریک ، عملی و تشکیلاتی از واقعیت وارونه را در برابر خود قرار می دهند و با چرخش قطعی به سمت پرولتاریا ، سازماندهی پیشگام کارگری مستقل از روشنفکران خرده بورژوا و درگیری عملی در جنبش کارگری تحت برنامه عمل انقلابی و نه برنامه های حداقل فرمیستی راه طور جدی آغاز می کنند . آنان که به جای خودفریبی های وجدان های بی تفاوت ، مسیر مادگی حقیقی را پیش می کشند و به جای ایجاد جبهه های دروغین متکی بر "توافق" های گروه های روشنفکری ، اتحاد حقیقی مبارزان کارگری و به جای جبهه های ائتلافی سازش طبقاتی ، وحدت جبهه کارگری را عملی می کنند ، آنان که تنها راه جلب متفقین پرولتاریا به انقلاب را نه در تعدیل مبارزه طبقاتی که در سرسختانه ترین مبارزه علیه بورژوازی تشخیص می دهند . . .

آیا این همه مشخص کننده سوسیالیسم انقلابی نیست ؟

ش - اما ، این ها جواب سوال من نیست ! (این ها را "کلی بافی" می داند .) این سوسیالیست های انقلابی که حامل این عقایدند ، چه کسانی هستند ؟ چرا نشریه به طور دقیق در این باره نگفته است ؟

ه - منظورتان نام و نشان شان است ؟

ش - نه ! منظور من این است که از چه گروه هایی آمده اند ؟

ه - از محافل ، گروه ها و گرایش های سوسیالیستی در سازمان های مختلف ، همچنین افرادی که در هیچ یک از گروه بندی های سنتی فعالیت نمی کردند . آنان را ، حال ، عقاید و اصول و روش کار سوسیالیستی مشخص می کند . آنان ، بدین خاطر از گروه بندی های سنتی بریده اند که ابزار انقلاب پرولتاریا - یائی نبودند و بدین خاطر خود را تحت نشریه سازمان نمی دهند که گروه بندی انقلابی سوسیالیست را بنیاد کنند . آنان ، می باید خود را از بندهای فرقه ای رها کنند . حتی کسانی در این راه قدم می نهند که هنوز تخته بند این علائق اند . کار جدی و روشنگری ، یا ، بر این تمایلات فائق می آید ، یا وقتی در می یابند که در این راه ، امتیاز و حق ویژه ای نخواهند داشت ، و میدانی برای تنگ نظری و زدوبند نخواهد بود ، کنار می روند و البته می باید کنار زده شوند . آیا شما نام و نشان

سوسیالیسم و انقلاب که انتشار یافت ، با خود مسائل جدیدی مطرح کرد . این بار ، ما به جای یادداشت هیات تحریریه گفتگوئی را برگزیده ایم که برخی از این مسائل را روشن می کند .

۱۸ سوال ۱۷ جواب !

گفتگوی یک شاک با یک هوادار سوسیالیسم و انقلاب

ش - من نمی توانم موضع مشخصی درباره ی نشریه سوسیالیسم و انقلاب اتخاذ کنم . شما اول بگوئید این نشریه را چه کسانی منتشر می کنند ؟ چرا خودشان نگفته اند که کیستند تا ما تکلیف خود را بدانیم ؟

ه - گفته اند : سوسیالیست های انقلابی .

ش - اما این سوسیالیست های انقلابی که هستند ؟

ه - گفته اند : آنان که در برابر ایدئولوژی های بورژوازی و خرده بورژوازی ، بیانگر سوسیالیسمند ، و در برابر فرمیزم و سنتریسم ، انقلابی . آنان که وظیفه ی مرکزی این دوره را مبارزه در راه ایجاد گروه بندی طراز جدید (اتحادیه ای از سوسیالیست های انقلابی) تلقی می کنند . آنان که حاضرند ، و توانائی آن را نیز در خود می بینند که ، برای مبارزه ی جدی در راه تسخیر قدرت توسط طبقه ی کارگر و در راه بنیاد سوسیالیسم ، تشکیلات ، محافل ، اخلاقیات و پیش داوری های خرده بورژوازی را رها کنند و وظایف کنونی را واقعاً انجام دهند . آنان که تنها استراتژی انقلابی در ایران را انقلاب پرولتری (در شکل و در مضمون) و استقرار جمهوری شورائی می دانند ، از مبارزه ی پیگیر بر علیه هرگونه نفوذ پورتو - نیزم خرده بورژوازی در جنبش کارگری طفره نمی روند و این مبارزه را هرگز به آینده ای نامعلوم موکول نمی کنند . آنان که بنیاد فعالیت خود را قطعیت انقلاب اجتماعی قرار می دهند و خستگی ، شکست و وا خوردگی روشنفکران را به حساب توده ها واریز نمی کنند . آنان که به جای "بازی در بساط دیگران" ،

اینان راه می‌خواهید؟ مهم این است که سوسیالیسم - انقلابی بیان تمایلات و کوشش‌های پرولتاریای انقلابی است؛ و در این راه، امتیازی ویژه از آن فردی‌گروهی نخواهد بود. تنها سرسختی در کار واقعی وجدی آنان را محکم می‌زند.

آیا شما می‌گوئید، در هر شماره باید نام آخرین گروه یا فرد جدیدی را که به نشریه پیوسته است، اعلام کرد؟ به عقیده‌ی ما بهتر است این روش را به جبهه‌های دروغین واگذار کنیم. نیروهایی که هدف را آماجگی حقیقی برای انقلاب قرار داده‌اند، به دنبال این چنین سرافرازی‌های کاذب نخواهند رفت. این گونه "سرافرازی‌ها" با اهداف سوسیالیسم و انقلاب در تضادند. اول آن که، هر گروه و محفل و رشکسته‌ای با اعلام طرفداری خود از سوسیالیسم انقلابی به دنبال کسب اعتبار بیرون (به یاد دارید دهه‌ی ۵۰ها که، چگونه هر گروه و رشکسته‌ای با اعلام جانبداری از مبارزات مسلحانه برای چند صباح دیگری اعتبار کسب می‌کرد؟). دوم این که، گروه‌ها با پافشاری بر سرافرازی نام خود در پیوستن به این مبارزه در راه گروه‌بندی جدید، در واقع بخواهند گروه خود را سازنده اتحادیه انقلابی جدید.

هنگامی که هدف برش از دموکراتیزم خرده بورژوازی، بنیاد گروه‌بندی نوین سوسیالیست‌های انقلابی و رویکرد به استراتژی و برنامه‌ی انقلاب پرولتری در مقابل قرار گیرد، به یقین بسیاری از روشنفکران انقلابیون کارگری که تا کنون خارج از کلیه‌ی محافل و فرقه‌های سنتریستی فعالیت می‌کردند، و از مجموعه‌ی افراد این گروه‌ها نیسیز بیشترند، به مبارزه‌ی متحد عملی و مسلکی بر اساس نشریه‌ی سوسیالیسم و انقلاب جلب خواهند شد.

ش - اما چه تضمینی هست که این نیز به انحراف کشیده نشود؟
ه - شما نقش خود را در این جریان فراموش می‌کنید. فرد انقلابی اجازه نمی‌دهد کسی از مسیر انقلاب پرولتری منحرف شود. او نقش خود را در این نمی‌یابد که منتظر بنشیند تا برای عملی تجویز شود. او می‌داند که عمل خود و جزئی از رهبری عملی انقلاب است. بنابراین، شما موظفید که اجازه ندهید کسی منحرفتان کند. رهبری در یک جریان انقلابی کارگری دارای حقوق ویژه‌ای نیست. امر رهبری فقط معرف نوعی تقسیم طبیعی کار در ترویج و سازمان دهی فعالیت انقلابی است. ماهمه مسئولیم که به محض آن که خطائی از اصول اعلام شده و پذیرفته شده مشاهده کردیم، اعلام کنیم و افشا سازیم. به یقین، نشریه‌ی سوسیالیسم و انقلاب خود در انتشار این گونه افشاگری‌ها پیش قدم خواهد شد. بهتر این است که به جای تسلیم شدن به وراجی‌های محافل خرده بورژواکل توجه خود را به وظایف مرحله‌ی کنونی و نوشته‌ها و عملکردهای سوسیالیست‌های انقلابی معطوف کنیم. هدف محدود نساختن مبارزه‌ی فعلی به چارچوب تنگ محافل و فرقه‌ها و اتحاد اصولی برای انجام وظایف اساسی در راه ایجاد رهبری انقلابی است. همه در این مبارزه سهیم گردیم و همواره بررسی کنیم و کنترل کنیم تا در تشخیص وظایف اشتباهی صورت نگیرد و در انجام تعهدات انقلابی سستی و

کوتاهی بروز نکند. این تنها ضامن پیروزی است. ش - اما چرا برنامه‌ی سوسیالیست‌های انقلابی مشخص نشده است تا ما تکلیف خود را بدانیم و ببینیم کی انحراف از اصول توافق شده صورت می‌گیرد؟

ه - مشخص شده است. مگر اسناد منتشر شده در شماره‌ی اول نشریه چه بودند؟ خطوط کلی مباحثات مطروحه پایه‌های اصلی توافق‌های سیاسی لازم در مرحله‌ی کنونی را تشکیل می‌دهند. در این اسناد دربارہ‌ی مسائل مهم استراتژی و برنامه‌ی انقلابی (و تاکتیک و روش انقلابی)، تشخیص و تحلیل شرایط مشخص مبارزه‌ی طبقاتی در ایران (و تراژنایه و چشم انداز این مبارزات)، تعیین وظایف تاریخی و مرحله‌ی مادر شرایط کنونی (و تشکیلات متناسب با شرایط و وظایف) نظرآ صریح و فرموله شده‌ای ارائه شده‌اند. قاعدتا، سوسیالیست‌های انقلابی توافق بر سر این مسائل را شرط آغاز مبارزه‌ی جدی در راه ایجاد آلترناتیو انقلابی تشخیص داده‌اند. اگر شما تشخیص می‌دهید که این کافی نیست، به عهده‌ی خود شماست که دلایل خود را توضیح دهید و در اختیار همه قرار دهید. این نحوه‌ی برخورد سوسیالیست‌های انقلابی است. بدین ترتیب، همواره در جهت تدقیق هر چه بیشتر پایه‌های وحدت پیش خواهیم رفت.

ش - اما اصول کلی ایدئولوژیک مشترک کدام است؟ چرا این اصول بیان نشده است؟

ه - زیرا تئوری به طور عام وجود ندارد. مبارزه‌ی تئوریک، بیان مبارزه‌ی طبقاتی در عرصه‌ی تئوری است. تئوری، صحت خود را در آخرین وهله، در مبارزه‌ی مشخص طبقاتی می‌یابد. بر اساس جمع‌بندی یک رشته تعاریف مجرد، نمی‌توان دریافت، آیا جریان عقیدتی سازمانی مشخصی معرف یک جریان سوسیالیستی انقلابی در مبارزه‌ی طبقاتی هست یا نیست. جمع‌بندی خلاصه‌تر از آنچه در اسناد مذکور ارائه شده کاملاً بی‌فایده است؛ زیرا برای تشریح آن مجدداً باید اقل همان اسناد را نوشت!

ش - اما منظور من این نبود. منظور من اعلام پذیرش یا رد مارکسیزم - لنینیزم بود.

ه - شما، اما، منظور را درست بیان نمی‌کنید! شما، قاعدتا، خود درک مشخصی از این مقوله دارید. پس بر عهده‌ی شماست که بر اساس این درک توضیح دهید که آیا هستند یا نیستند.

سوسیالیست‌های انقلابی، اگر شایسته‌ی این نام باشند، قصد پنهان کردن خود پشت نام کسی ندارند. همان طور که پشت نام سازمان‌ها نیز پنهان نمی‌شوند. (بیساد بیاورید که لنین پلخانف را شامی آورد که در کتساب اختلافات ما، در همان صفحات اول، به نام کلیه‌ی اعضای محفل اظهار کرد: "ما به هیچ رومی‌خواهیم حیثیت و اعتبار یک نام بزرگ را پوششی برای برنامه‌ی خود قرار دهیم.") مارکسیزم - لنینیزم یک ایدئولوژی متکی بر یک نظام "جهان شمول" نیست. این آگاهی کاذب است که طبقات ذینفع در پوشاندن واقعیات مبارزه‌ی طبقاتی ترویج می‌کنند. مارکسیزم - لنینیزم علم شرایط رهاگی طبقه‌ی کارگر است. این بسیار مشخص است. با وفاداری به یک

ایدئولوژی "جهان شمول" نمی‌توان این محتوای مشخص را بیان کرد. سوسیالیست‌های انقلابی به‌جای این شیوه‌ی غیرعلمی، مبارزه‌ی واقعی مسلکی را پیش می‌نهند. یعنی، مبارزه در راه جلب پیشگام پرولتری به جمهوری شوراه‌ها و دیکتاتوری پرولتاریا؛ یعنی، دردورانی که شرایط عینی رهایی پرولتاریا فراهم شده است، غلبه بر بحران تاریخی رهبری پرولتاریا را مهم‌ترین وظیفه‌ی خود تلقی می‌کنند. آیا به عقیده‌ی شما مارکسیزم - لنینیسم به روش دیگری متکی است؟

ش - تروتسکیست چطور؟!

ه - شما از درک مطلب پفره می‌روید. باز، منظور شما از این پرسش چیست؟

ش - آیا بر اساس درک خودشان از مارکسیزم - لنینیسم، از استالین دفاع می‌کنند یا از تروتسکی؟

ه - بدیهی است در برداشت‌های خود از تاریخ جنبش کارگری از مواضع کلیه کسانی که معرف سوسیالیسم انقلابی بوده‌اند، دفاع خواهند کرد! این خود ضرورت بررسی تاریخ جنبش کارگری را آشکار می‌کند.

ش - مسئله‌ی بسیار مشخصی مطرح شده است. گفته می‌شود این نشریه تروتسکیستی است. آیا با انحراف تروتسکیستی مبارزه خواهند کرد یا خیر؟ چرا در این مورد موضع خود را روشن نکرده‌اند؟

ه - در گفتار و در کردارشان دقیق شوید و حساب کنید، آیا سوسیالیست انقلابی هستند یا خیر. مسئله این است!

لیکن آنچه شما انحراف تروتسکیستی می‌نامید و معتقدید، مسئله‌ی مهمی برای جنبش کارگری در مرحله‌ی کنونی محسوب می‌شود، کوتاهی نکنید، بنویسید و افشا کنید. سوسیالیست‌های انقلابی بررسی جامع و مشخص تاریخ جنبش کارگری را در مقابل خود قرار داده‌اند. خود آن‌ها نیز قاعدتاً هرگاه هرگونه انحرافی از اصول انقلابی مشاهده کنند افشا خواهند کرد. همان‌گونه که تاکنون کرده‌اند. اما روش صحیح این‌گونه افشاکاری‌ها با روش پیشنهادی شما متفاوت است. تئوری انقلابی نه حاصل تراوشات مغز یک فرد است و نه نتیجه‌ی خودبه‌خودی مباحثات مابین "تئوریستین"ها؛ بلکه مبین کل تجربه و تفکر انقلابی در همه‌ی کشورهای دنیا در یک دوره‌ی طولانی تاریخی است. باید نخست این کلیت را با شناخت و سپس اهمیت سهم افراد در تکامل (یا انحطاط) تئوری انقلابی را درک کرد. تنها به اتکاء چنین شیوه‌ای می‌توان محدودیت‌های تاریخی تجربی مارکسیست‌های مشخص را در ادوار مشخص و نسبت به این کلیت سنجید، و همین طوری فشارهای مشخص طبقاتی را که باعث انحطاط‌های مشخص در زمان‌های مشخص شده‌اند.

سوسیالیست‌های انقلابی ایران نیز باید بر اساس توانایی و تجربه‌ی خود در کاربرد و تکامل این روش و در بازسازی و تدقیق اصول انقلابی سهم خود را ادا کنند. قبل از انجام این وظایف، و در همان آغاز کار، نمی‌توان با اعلام وفاداری به مارکسیزم - لنینیسم و یا چند اظهار نظر کلی

برله یا بر علیه تروتسکی یا استالین گریبان خود را خلاص کرد. مشکلات فعلی تئوریک جنبش انقلابی در ایران را با برچسب زدن یا گزیدن نمی‌توان حل کرد. پیش‌دوری‌ها و پیش‌فرض‌های ناروشن و بی‌محتوا را باید به کنار زیم تا بتوانیم از عهده‌ی کار جدی برآئیم. سوسیالیسم و انقلاب نمی‌تواند همدم روشنفکران بی‌فرهنگ خرده‌بورژواشود. آنان هنگامی که از این انحراف یا آن انحطاط سخن می‌گویند، همواره هدف‌شان فقط پوشاندن کوتاه بینی خودشان است!

ش - شما آن‌چنان از سوسیالیست‌های انقلابی صحبت می‌کنید که گویی هم‌اکنون جریان‌ی منسجم و یکپارچه تحت این عنوان پدید آمده است.

ه - هم‌اکنون گرایش‌های مشخصی از سازمان‌های متفاوت و افراد و محافل بر اساس اهداف این نشریه متحد شده‌اند و مبارزه در راه ایجاد یک سازمان انقلابی مداخله‌گر را در سطوح تئوریک، عملی و تشکیلاتی آغاز کرده‌اند. شاید به نظر شما چیزی نباید و بی‌شک در مقایسه با وظایفی که در مقابل ماست، هنوز کار ابتدائی است و نتایج اندک. این فقط نشان می‌دهد که راه دراز و دشواری در پیش است. تئوری و برنامه‌ی ارائه شده نیز همان است که بر اساس تجربه و سوابق کنونی سوسیالیست‌های انقلابی به دست آمدنی بوده است. این کافی نیست. اما، این تنها دستاورد ماست. هم‌اکنون، این تنها معرف استمرار سنن انقلابی پرولتاریا در ایران است. در آینده، بسته به میزان مبارزه و تلاش سوسیالیست‌های انقلابی، یا کیفیت کار فعلی اعتلا می‌یابد و یا کیفیت مناسب‌تری جایگزین آن می‌شود. اما، امروزه، سوسیالیست‌های انقلابی در حد توانایی فعلی خود و متناسب با سطح مشخص شکل‌گیری، فعالیت و سازمان‌یابی خود، چنین نشریه‌ای را با چنین اهدافی ایجاد کرده‌اند و انجام وظایف خود را بر اساس وحدت برکردن آن سازمان می‌دهند. طبیعتاً، نشریه (وهیات تحریریه‌ی آن) تحت مسئولیت این نیروهای مشخص قرار دارد.

ش - اما گرایش‌های دیگر چه می‌شود؟ مگر فقط همین‌ها سوسیالیست انقلابی‌ند؟ آیا این نحوه‌ی برخورد سکتاریستی نیست که بخشی از سوسیالیست‌های انقلابی برای گرایش‌ها؟ دیگر تعیین تکلیف کند؟

ه - بدون تردید، سوسیالیست‌های انقلابی بیشتر از طریق فداکاران متشکل و منفرد این نشریه مشخص می‌شوند. بدون تردید، یا دیگران به تدریج بر اساس همین اهداف متحد خواهند شد و یا راه مناسب‌تری را پیش خواهند کشید. در این صورت، در ضمن کارشاید دنیا به چنین نشریه‌ای سپری شود و ارگان‌های دیگری جایگزین آن شوند. این فقط نقطه‌ی شروع را نشان می‌زند. سوسیالیسم و انقلاب، اما، روشی را پیش‌نهادده است که کلیه‌ی انقلابیون بتوانند در انجام وظایف این دوره به‌دور از هرگونه فرقه‌گرایی، متحد شوند و در تبدیل نشریه‌ی فعلی به یک ارگان واقع‌سراسری و سازمانده انقلابی سهم خود را ادا کنند.

ش - اما چه کسی تعیین خواهد کرد که سوسیالیست انقلابی

کیست؟ هیئت تحریریه‌ی کنونی این نشریه بر چه اساسی برای خود حق ویژه‌ای قائل می‌شود؟

ه - سوسیالیست‌های انقلابی تنها بیک حق پافشاری می‌کنند و آن حق سازماندهی خود برای انقلاب است. این بدان معنی است که ماحق انجام وظایف این دوره، یعنی حق آغاز مبارزه و حق آغاز آن بدون اجازه‌ی قلبی محافل و فرقه‌های سنتریستی را برای خود قائلیم. این بدان معنی است که حتی اگر یک نفر بودیم، به انتظار روز فرخنده‌ای که سرانجام سازمان واحد انقلابی همه‌ی سوسیالیست‌های انقلابی وارد میدان شود، نمی‌نشستیم؛ بلکه در حصد شناخت اصلی و به محض شناخت، انجام وظایف خود را آغاز می‌کردیم. تعیین سوسیالیزم انقلابی نیز حق ویسژی‌هیات تحریریه نیست. همه‌ی سوسیالیست‌های انقلابی، از جمله آنان که هنوز جانبدار نشریه‌ی فعلی نیستند، در این امر سهیم‌ند. تنها معیار آنان در تشخیص آن، در تحلیل نهائی، پراتیک اجتماعی است. این معیار در مورد خود هیات تحریریه نیز صدق می‌کند.

ش - این طور که نمی‌شود! مثلاً، فرض کنیم فرد ایک گروه جدید خواهد در این نشریه همکاری کند و در نتیجه دهیات تحریریه‌ی آن نیز شرکت داشته باشد؛ باید چه کسی را ببینید؟ ه - هیچ کس! نظریات خود را می‌نویسد، اگر مایل بود در اختیار نشریه قرار می‌دهد؛ وگرنه خود منتشر می‌سازد. همه‌ی سوسیالیست‌های انقلابی، هر جا که باشند، از جمله هیات تحریریه، نظریات و پیشنهادات ارائه شده را بررسی خواهند کرد، نکات مورد توافق و نقاط اختلاف را روشن خواهند کرد و سپس قضاوت خواهند کرد. اگر (پس از دوره‌ای از بحث) توافق لازم و کافی وجود داشته باشد، طبعاً هم طرفداران این گروه و هم طرفداران نشریه از آن مطلع خواهند شد و به این نتیجه خواهند رسید که باید با هم دیگر فعالیت کنند. بدیهی است که هر گونه امکانات جدیدی که بدین وسیله فراهم می‌شود، در خدمت نشریه نیز قرار خواهد گرفت (از جمله عضویت اعضا جدیدی برای هیات تحریریه‌ی آن). پس چرا نمی‌شود!؟

ش - آخر به این سادگی که نیست! باید مذاکراتی صورت بگیرد و توافق هائی فرموله شود. این امر مهم را نمی‌توان به تصادفات واگذار کرد. کدام کانال تشکیلاتی مشخص و معیار های روشن از جانب هیات تحریریه برای انجام این مباحثات پیشنهاد شده است؟ آمدیم، کسی نخواست به این بحث‌ها پاسخ بدهد! آیا سوسیالیست‌های انقلابی باید منتظر بنشینند تا عاقبت مسیر پیشنهادی شما طی شود؟

ه - تصادفی در کار نیست. به یقین، مباحثات و مذاکرات ضروری‌اند، به طور مفصل هم. به یقین توافق‌ها هم باید به نحو دقیق مشخص شوند. اما، این همه، باید به طور علنی و در سطح کل جنبش انجام پذیرد (مثلاً، در صفحات نشریه!). مذاکرات و مباحثات، آری! اما، معاملات، خیر! قول و قرارها پشت پرده به کار سوسیالیست‌های انقلابی نمی‌آید. سوسیالیست‌های انقلابی به این خاطر شایسته‌ی این نام‌ند که در موقعیت‌های متفاوت خود مشغول انجام وظایف این

دوره‌اند. شرکت و درگیری در این مباحثات خودبخشی از وظایف این دوره را تشکیل می‌دهد. بنابراین نه کسی منتظر می‌نشیند تا پس از مذاکرات رهبران با یکدیگر تکلیف‌ش روشن شود، بلکه وظایف خود را انجام می‌دهد، و نه کسی انجام این مباحثات را به تصادفات واگذار می‌کند.

ش - آمدیم و هیات تحریریه از انتشار نظر خاصی خودداری کرد! توقت تکلیف این مذاکرات چه می‌شود؟

ه - مگر هیات تحریریه حق انتشار را از دیگران گرفته است؟ آن صاحب نظر به طور مستقل اقدام خواهد کرد و نظر خود را منتشر خواهد ساخت. همه خواهند دید و قضاوت خواهند کرد؛ و از جمله طرفداران نشریه.

ش - چه تضمینی است که قضا یا بر طبق این پیش بینی‌ها پیش برود؟ با این روش دلخواه شما، از کجا معلوم که به طرف آنرا رشیزم بی‌در و بی‌کریبش نرویم؟

ه - هیچ گونه تضمینی را نپذیرید! ما تأکید را بر این می‌گذاریم که شور و اراده‌ی انقلابی لازم است و تصمیم قطعی برای ساختن سازمان انقلابی، قطعی این است که چنین سازمانی وجود ندارد و تا زمانی که ساخته نشده است، شکست‌های دردناک تری را در پیش داریم. این هم قطعی است که فرقه‌ها و محافل

موجود که آکنده از روحیات خرده بورژواژی‌نبدبه چنین سازمانی تبدیل نخواهند شد، سوسیالیست‌های انقلابی باید به این "میراث" پشت کنند؛ باید، به رغم فقدان سازمان انقلابی

و به رغم پراکندگی حال، تجدید سازمان فعالیت انقلابی را اساسی ترین وظیفه‌ی خود تلقی کنند. قطعاً این تنها راه مبارزه در راه ایجاد رهبری انقلابی است. در این راه، در

ضمن راه، به تمام مسائل مربوط به چگونه‌گی ایجاد قطعی یک سازمان منسجم از انقلابیان سوسیالیست نیز باید پاسخ داده شود. این تنها راه بیرون کشیدن پیشگام انقلابی از شرایط

فلاکت یا شکست کنونی است. راه‌های پیشنهادی روشنفکران خرده بورژواها ما سازگاری با وضع مقرر است آنچه پیشنهاد می‌شود همان است که بود. یا اصولاً چیزی پیشنهاد نمی‌کنند!

در انتظار رفع خستگی و خوردگی خودند! مضافاً به این که، روش پیشنهادی سوسیالیزم و انقلاب به دلخواه تعیین نشده است. این روش متکی بر بنیاد دئی است که هر روز بر اساس جدیت

و تلاش ما استوارتر خواهد شد. توافق‌های اصولی کنونی که پایه‌های وحدت سوسیالیست‌های انقلابی را تشکیل داده‌اند، بر سر مهم‌ترین مسائل فعالیت انقلابی در این مرحله‌اند.

این برای ما شرط لازم و کافی برای امیدوار بودن به توافق اصولی تر بر سر مسائل را فراهم می‌سازد. مابقی را تلاش ما و مبارزه‌ی طبقاتی تعیین خواهد کرد.

ش - ولی این ها قانع کننده نیست! نه تنها من بلکه بسیاری دیگر از مبارزین فعال در شرایطی هستیم که نمی‌توانیم و نمی‌توانیم با ایده‌این سادگی قانع شویم و باز به آلت دست تبدیل شویم. راه شما فقط یک پیشنهاد است. باید بیشتر فکر کرد و

احتمالات دیگر را نیز در نظر گرفت. آیا شما می‌خواهید همه‌ی افراد نظیر من پاسخ دهید که روشنفکران فردگرای خرده بورژوا حاصل خود را به مثابه ایدئولوگ‌های نظم موجود حفظ می‌کنند!؟